

نویسنده: تریتا فارسی (Trita Parsi).
منبع و تاریخ نشر: انتی وار «2021-10-26».
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

چرا بایدن پس از افغانستان به عقب نشینی خود ادامه دهد؟

Why Biden Should Continue Withdrawing After Afghanistan



یک ماه پس از خروج از افغانستان، هنوز مشخص نیست که آیا ما شاهد آغاز یک سری از عقب نشینی‌های نظامی بعنوان بخشی از پایان جنگ اعلام شده توسط «بایدن» به دوران جنگ‌های تغییر رژیم - بودیم یا اینکه آیا افغانستان صرفاً یکباره باقی خواهد ماند.

در حالی که نخبگان سیاست خارجی واشنگتن علیه عقب نشینی «بایدن» به ستوه آمده بودند، بررسی دقیق‌تر پیامدهای سیاسی و استراتژیک فرصتی را برای **بایدن** برای عمل به وعده خود مبنی بر جدا کردن و یا دور ساختن ایالات متحده از جنگ‌های ابدی

و آغاز خروج گسترده تر ایالات متحده از این جنگ آشکار می‌کند که از خاورمیانه، از عراق و سوریه شروع می‌شود. هزینه سیاسی خروج از خاورمیانه عمدتاً پرداخت شده است و پیامدهای ژئوپلیتیکی آن به شدت مثبت بوده است.

با تسلط طالبان بر افغانستان در ماه اگست، رسانه‌ها، پیمانکاران دفاعی و سیاستمداران دوستدار پنتاگون، سیل انتقادهایی را ایجاد کردند که خروج ایالات متحده را محکوم کردند و آن را «تحقیر» و «ننگ ملی» تلقی کردند. کارشناسان از **بایدن** خواستند تصمیم خود را تغییر دهد و نیروها را مجدداً در افغانستان مستقر کند.

با این حال، افکار عمومی آمریکا تحت تأثیر عصبانیت‌های واشنگتن یا حملات رسانه‌ها قرار نگرفتند. با وجود تصاویر وحشتناک فرودگاه کابل، تعداد آمریکایی‌هایی که از عقب نشینی حمایت کردند، همچنان رو به افزایش است. نظرسنجی **پیو** نشان داد که اکثر آمریکایی‌ها، اگرچه با نحوه خروج از کشور موافق نبودند، اما معتقد بودند که **بایدن** در کل تصمیم درستی گرفته است. شصت و دو درصد فکر می‌کنند که بزرگترین درس از افغانستان این است که ایالات متحده نباید در کار ملت سازی باشد و یا دخالت کند و تنها در صورتی که منافع ملی و حیاتی آمریکا تهدید شده باشد، در آن صورت آمریکا باید نیروهای خود را در مسیر آسیب قرار دهد.

بسیاری از نهادهای سیاست خارجی از اینکه **بایدن** ثابت کرد که مجتمع نظامی-صنعتی و متحدانش در دنیای سیاست - به اصطلاح - Blob را می‌توان شکست داد، شوکه شده است. این نیاز به اراده سیاسی پولادین دارد، اما **بایدن** نشان داده است که اگر مردم آمریکا پشت شما باشند، شما نه تنها پیروز خواهید شد، بلکه شکوفا خواهید شد.

با شکسته شدن افسانه شکست ناپذیری مجتمع نظامی-صنعتی، دلیلی برای توقف **بایدن** وجود ندارد. ادامه حضور ارتش آمریکا در سوریه غیرقانونی است و هیچ منافع حیاتی ایالات متحده را تامین نمی‌کند. پس از شکست داعش، دولت ترامپ حضور نیروها را با این ادعا که برای مقابله با نفوذ ایران مورد نیاز است، توجیه کرد. اما مقابله با نفوذ ایران - واقعی یا خیالی - در سوریه یک منافع حیاتی ایالات متحده نیست و کنگره هرگز چنین مأموریتی را تایید نکرد. امروز، 900 نیروی مستقر در سوریه، این کشور را درگیر جنگ داخلی خود کرده و مانع از تلاش‌های بازسازی می‌شوند. به جای ایمن تر کردن آمریکا، حضور نیروهای آمریکایی در سوریه خطر کشاندن ایالات متحده را به یک جنگ غیرضروری دیگر در خاورمیانه می‌اندازد که امنیت آمریکایی‌ها را کاهش می‌دهد.

در مورد عراق هم همینطور است. در ماه ژوئیه، دولت **بایدن** اعلام کرد که مأموریت ایالات متحده در عراق را به «نقش صرفاً مشورتی» تغییر خواهد داد، اما تعداد نیروها تقریباً ثابت خواهد ماند. مشخص نیست که آیا **بایدن** به سادگی نام این مأموریت را تغییر داده یا اساساً آن را بازسازی کرده است. در حالی که آموزش و تجهیز ارتش عراق ممکن است در شرایط عادی به نفع ایالات متحده باشد، بافت گسترده تر، تحلیل هزینه - فایده این مأموریت را منفی می‌کند.

اول، شبه نظامیان شیعه در عراق - که به طور فزاینده‌ای به نفع خود در مقابل منافع

تهران عمل می‌کنند - همچنان به خاطر گرفتن انتقام از **ترامپ** مبنی به ترور ابومهدی مهندس رهبر کلیدی شیعیان؛ شبه نظامیان ایران نیروهای آمریکایی را بخاطر از بین بردن نشانی میکنند در حالی که تهران سعی کرده آنها را تعدیل کند، میل شبه نظامیان برای انتقام بر احترام آنها به تهران جایگزین می‌شود. به جای آموزش و تجهیز ارتش عراق، نیروهای آمریکایی در عراق احتمالاً بیشتر وقت خود را صرف محافظت از خود در برابر حملات شبه نظامیان شیعه می‌کنند.

دوم، حملات شبه نظامیان عراقی به سر بازان آمریکایی خطر ایجاد یک جنگ بزرگتر با ایران را دارد. پیشرفت‌های کمی می‌تواند به ضرر منافع آمریکا باشد، به‌ویژه به این دلیل که رویارویی نظامی با ایران تماماً تضمین می‌کند که برای ساخت بمب هسته‌ای مسابقه خواهد داد.

سرانجام، ایالات متحده در سال 2014 با دعوت دولت عراق برای مبارزه با داعش دوباره وارد عراق شد. پارلمان عراق پس از ترور سردار قاسم سلیمانی و المهندس، این دعوت را لغو کرد.

برخلاف افغانستان، جایی که دولت کابل از ایالات متحده درخواست کرد که باقی بماند، اکثریت در دولت عراق ادامه حضور ایالات متحده را تهدیدی برای حاکمیت و امنیت خود می‌دانند. عراقی‌ها نمی‌خواهند که کشورشان به میدان نبرد آینده آمریکا و ایران تبدیل شود.

نمی‌توان گفت که پیامدهای سیاسی خروج از عراق یا سوریه همان تصاویر غم‌انگیز و دلخراشی را ایجاد کند که فرودگاه کابل ارائه کرد.

مسئله خروج از افغانستان هزینه سیاسی بیشتری نخواهد داشت. بر عین حال، عقب نشینی دو منفعت سیاسی و دیپلماتیک مهم برای ایالات متحده به همراه داشته است.

اولاً، چین، روسیه و ایران اکنون هم‌منظر هستند تا افغانستان را با ثبات کنند و با مسئله پناهجویان، مبارزه با تروریسم و سایر تهدیدات امنیتی در این کشور مقابله کنند، در حالی که ایالات متحده منابع خود را در 20 سال گذشته به افغانستان سرازیر کرده و به چین، روسیه و روسیه اجازه داده است. ایران سواری رایگان در پروژه ناکارآمد ملت سازی خود. اکنون، این کشورهایی که منافع امنیتی آنها در افغانستان بسیار بیشتر از منافع ایالات متحده است، باید منابع بیشتری را برای مدیریت افغانستان به رهبری طالبان صرف کنند.

دوم، از آنجایی که قدرت‌های منطقه‌ای به طور فزاینده‌ای متقاعد شده‌اند که ایالات متحده نیروهای خود را از خاورمیانه به عنوان یک کل خارج خواهد کرد، منطقه دچار هرج و مرج نشده است. در عوض، رقابتی منطقه‌ای به صورت دیپلماتیک پیش قدم شده‌اند. عربستان سعودی و ایران دیدارهای متعددی از جمله نشست سران بغداد در ماه گذشته داشته‌اند. این اجلاس نشان داد که زمانی که نیروهای آمریکایی عقب نشینی می‌کنند، بازیگران منطقه‌ای مجبور می‌شوند که مالکیت و یا رشته‌ای امنیت خود را به دست بگیرند. این امر بار امنیتی ایالات متحده را در منطقه‌ای با اهمیت استراتژیک کاهش می‌دهد و به ما امکان می‌دهد بر مشکلات مبرم‌تر از جمله سرمایه‌گذاری در نیازهای

فوری مردم آمریکا تمرکز کنیم .
آخرین کاری که **بایدن** باید انجام دهد این است که تصمیم بگیرد در عراق و سوریه
بماند و این تحولات مثبت را معکوس کند. به هر حال، اگر **بایدن** اکنون در مسیر خود
متوقف شود، دیگر جنگ های بی پایان ما بی پایان خواهند ماند.

..... **با تقدیم سلامها «30-10-2021»**